



بررسی رابطه تعامل کلاسی با هوش معنوی و خلاقیت سازمانی

موسی آسیابی

کارشناسی ارشد، فیزیک اتمی و مولکولی، دانشگاه آزاد مهاباد، اداره آموزش و پرورش شهرستان نقده، آموزشگاه ارشاد ۲

آدرس پست الکترونیک: mosa.aseabi1402@gmail.com شماره تماس: ۰۹۱۴۴۳۷۲۷۶

چکیده:

تحقیق حاضر به منظور، بررسی رابطه تعامل کلاسی با هوش معنوی و خلاقیت سازمانی در میان آموزگاران دوره ابتدایی شهرستان نقده انجام گرفت. روش این پژوهش، پیمایشی و از نوع همبستگی بود. برای تحلیل داده ها از آزمون پیرسون و برای بررسی تاثیر متغیرهای ذکر شده از آماره آزمون t و ضرایب مسیر (β) استفاده شد. جامعه آماری این تحقیق ۷۰۰ نفر از آموزگاران دوره ابتدایی شهرستان نقده بودند که از میان آنها تعداد ۲۴۸ نفر (۱۲۴ نفر مرد و ۱۲۴ نفر زن) به روش نمونه گیری طبقه ای تصادفی با استفاده از روش کوکران انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه هوش معنوی، خلاقیت سازمانی، تعامل کلاسی بود. در راستای اهداف تحقیق این نتیجه حاصل شد که بین هوش معنوی با تعامل کلاسی در میان آموزگاران دوره ابتدایی شهرستان نقده رابطه معنی داری وجود دارد. بین خلاقیت سازمانی با تعامل کلاسی در میان آموزگاران دوره ابتدایی شهرستان نقده رابطه معنی داری وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: هوش معنوی، خلاقیت سازمانی، تعامل کلاسی



۱- مقدمه

هوش معنوی عبارت است از خودآگاهی عمیقی که در آن فرد هر چه بیشتر از جنبه های درونی خود آگاه می شود. همچنین، هوش معنوی توانایی به کارگیری و بروز ارزشهای معنوی است؛ به گونه ای که موجب ارتقای کارکرد روزانه و سلامت جسمی و روحی فرد می شود (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۰).

هوشی معنوی هوشی است که از طریق آن مسائل مربوط به معنا و ارزشها را حل می کنیم، هوشی که فعالیتها و زندگی ما را در زمینهای وسیع تر، غنی تر و معنادار قرار می دهد. هوشی که به ما کمک می کند بفهمیم کدام اقدامات یا کدام مسیر معنادارتر از دیگری است. (آزادبخش، ۱۳۹۷: ۲۳)

مفهوم هوش معنوی، سازه های «هوش» و «معنویت» را در یک سازه ترکیب نموده است. درحالیکه معنویت جستجو برای یافتن عناصر مقدس، معنایابی، هشیاری بالا و تعالی است، هوش معنوی توانایی برای استفاده از این موضوعات است که میتواند کارکرد و سازگاری فرد را پیشبینی نموده، نتایج و محصولات ارزشمندی به بار آورد. به طور کلی میتوان پیدایش سازه هوش معنوی را به عنوان کاربرد ظرفیتهای و منابع معنوی در زمینه ها و موقعیت های عملی در نظر گرفت. افراد زمانی هوش معنوی را به کار می برند که بخواهند از ظرفیتهای و منابع معنوی برای تصمیم گیری های مهم و اندیشه در موضوعات وجودی یا تلاش در جهت حل مسائل روزانه استفاده کنند (فلاحی، ۱۳۹۲: ۴۱).

ضرورت و اهمیت یافتن راهکارهایی جهت ایجاد خلاقیت و نوآوری در این است که امروزه سازمان ها در برهه ای از زمان قرار گرفته اند که تحت عناوین مختلف از جمله عصر دانش، عصر فراصنعتی، عصر جامعه اطلاعاتی، عصر سرعت و بالاخره عصر خلاقیت و نوآوری مطرح شده است؛ و خود را در جهت مدیریت تغییرات شتابان و دگرگونی های ژرف جهانی آماده می سازند؛ به گونه ای که خلاقیت و نوآوری به عنوان اصلی اساسی از عوامل مهم بقای سازمان ها پذیرفته شده است. براساس این استدلال، کشورهای پیشرفته صنعتی بر آموزش خلاقیت تاکید بسیار کرده و در این راستا در انتخاب افراد خلاق، نوآور و آینده نگر، که رهیافت های بدیع و خلاق برای مسائل پیچیده ارائه کنند توجه خاص مبذول داشته اند (همکاران، ۱۳۹۴: ۵۵).

امروزه، موفقیت در تولید محصولات و خدمات جدید، وابسته به دو عنصر اساسی خلاقیت و نوآوری است و سازمان ها، به خلاقیت و نوآوری، به عنوان یک دیدگاه راهبردی که برای سازمان مزیت راهبردی را به همراه می آورد، می نگرند. جهان از اواخر قرن بیستم تاکنون شاهد تغییرات بسیار گسترده در تمامی عرصه های کسب و کار است، به طوری که امروزه جهانی شدن، افزایش رقابت، توسعه ی فناوری اطلاعات، توجه به کیفیت کالاها و خدمات، مشتری مداری، و ناکارآمدی، اداره ی امور بخش عمومی را در سراسر دنیا و در این عرصه ها با چالش جدی روبه رو کرده است. ازجمله راهکارهای اثربخش رویارویی با این چالش ها، توسل به نوآوری سازمانی است. خلاقیت، خون زندگی بخش سازمان و تنها راه خروج از بن بست توسعه نیافتگی در کشورهاست (درگاهی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۲).

خلاقیت و تولید افکار و اندیشه های جدید توسط مدیران و کارکنان سازمانی دارای اهمیت ویژه ای است و این مهم در سازمان از جایگاه والایی برخوردار است. خلاقیت، مبتنی بر اراده آدمی است. در حقیقت، خلاقیت حق انتخاب و قدرت تصمیم گیری برای انتخاب است. خلاقیت و نوآوری لازمه و پیش درآمد توسعه و پیشرفت و تعالی یک سازمان و جامعه است و آگاهی از فنون و تکنیک های آن ضرورتی اجتناب ناپذیر برای مدیران، دانشجویان، پژوهشگران و علاقه مندان به این رشته است. امروزه ثبات در محیط کار، جای خود را به بی ثباتی و عدم اطمینان داده است و صنایع سنتی و قدیمی که جای خود را به انواع جدید و توسعه یافته آن داده است. فرصتی برای استفاده از مهارتهای قدیمی نمی گذارد و در حقیقت آینده را با تهدیدات و فرصتها مواجه ساخته است، زیرا هر اختراع و نوآوری، تغییری را پدید می آورد که می تواند به نوبه خود فرصتی را برای کسانی به وجود آورد که بتوانند از این فرصت استفاده بهینه کنند. خلاقیت از ویژگی های اساسی و سازنده انسان بشمار می آید که در رشد و تکامل فرد و تمدن بشری نقش مؤثری داشته و زیربنای اختراع ها و دستاوردهای علمی و هنری است. پژوهشهای انجام شده در زمینه خلاقیت



نشان می دهد که خلاقیت موهبتی نیست که افراد خاصی از آن برخوردار باشند، همچنین خصوصیتی ذاتی و ارثی هم نیست (زوره و خواجه وندی؛ ۱۳۹۴: ۸)

رسالت و کارکرد اساسی مدارس شامل آموزش و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جامعه و فراهم آوردن زمینه ی مساعد برای رشد و توسعه ی پایدار کشور است و معلمان و دانش آموزان مجموعه نیروی انسانی هستند که مسئولیت آموزش و اشاعه ی علم و دانش را در مدارس بر عهده دارند. کیفیت تدریس تا اندازه ی زیادی به عملکرد اعضا وابسته است؛ بنابراین بررسی در مورد کیفیت آموزشی معلمان از جمله مسائل مهمی است که از یکسو، بازخورد مناسب را برای تجزیه و تحلیل مسائل آموزشی و تصمیم گیری های اساسی و برنامه ریزی های استراتژیک توسط مسئولان و مجریان برنامه نظام آموزش و پرورش فراهم می آورد و از دیگر سو، معلمان و دانش آموزان می توانند از چگونگی عملکرد آموزشی خود آگاهی یابند و به اصلاح روشهای آموزشی و در نتیجه افزایش کیفیت آموزش خود اقدام کنند. با توجه به پژوهش های انجام شده کیفیت تدریس و سبک های تدریس از عوامل بهبود پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و تعامل کلاسی آنان شده است (نجفی میرشکار لو، ۱۳۹۷: ۴۰)

بنابراین دانش آموزان باید خود مسئولیت یادگیری را بپذیرند و نسبت به بازخورد مفید در یادگیری سعی کنند. برای این منظور دانش آموزان باید با معلم و محیط تعامل و ارتباط داشته، آگاهی لازم را از طریق خود ارزیابی نسبت به یادگیری خود به دست آورند. سپس ضمن مدنظر قرار دادن سطح مطلوب بازخورد برای دستیابی به آن علاوه بر تعامل با معلم، با محتوا و منابع یادگیری تعامل برقرار کنند و در محتوای درسی مورد نظر به ساختن دانش خود بپردازند تا هم مهارت های مورد نظر را فراگیرند و هم از دوره های آموزشی و آنچه فرا گرفته اند رضایت کسب کنند (جعفری، بیدختی و محمدی، ۱۳۹۴: ۱۰۰).

درگیر بودن فعال فراگیر هنگام تدریس و تعاملات بین دانش آموز و معلم موجب رشد و شکوفایی فردی دانش آموزان میگردد و بر دستاوردهای ذهنی، تحصیلی و فردی آنان تأثیر بسیار زیادی دارد. کیفیت تلاش دانش آموزان و بازخورد به آنان به رشد فردی و کسب نتایج آنان کمک می کند و این دستاورد، نشان دهنده تأثیر مثبت متغیر مذکور بر دستاوردهای آموزشی است (موری^۱، ۲۰۱۱: ۱۱۹)

در ارتباط با هدف این تحقیق افراد ذیل نیز به تحقیق های پرداخته اند که نتایج آنها با تحقیق ما هم سو می باشد. سارنیا و سنگتا^۲ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان بررسی هوش معنوی در رابطه با عملکرد تحصیلی در دانش آموزان به این نتیجه می رسند که هوش معنوی بین دو جنس تفاوت معناداری دارد این ممکن است به دلیل این واقعیت باشد که دانشجویان مرد و زن اطلاعات هوش معنوی را صرفا به عنوان یک موضوع درک می کنند و به موضوع دیگری توجه نمی کنند. به علاوه اینکه هوش معنوی رابطه مستقیم و معناداری با عملکرد تحصیلی دارد. نایر و پائول^۳ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان بررسی هوش معنوی دانش آموزان مقطه متوسطه در رابطه با انگیزش تحصیلی به این نتیجه می رسند که بین دختران و پسران از لحاظ هوش معنوی تفاوت معناداری وجود ندارد اما دانش آموزان متوسطه روستایی در مقایسه با دانش آموزان شهری هوش معنوی بالاتری دارند به علاوه دانش آموزانی که هوش معنوی بالاتری دارند از اشتیاق تحصیلی بیشتری نیز برخوردارند. اسمارت^۴ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان رابطه هوش معنوی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان به این نتیجه می رسد که بین سن، جنسیت و عملکرد تحصیلی رابطه معنادار وجود دارد به علاوه هوش معنوی قادر به پیش بینی عملکرد تحصیلی می باشد. سو تانتو و همکاران^۵ (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان

¹ Moore, M. M.

² Saranya, R & Sangeetha, T.

³ Nair, K. Anandan & Paul, Gigi.

⁴ Smartt, Merial J.

⁵ Sutanto, Eddy Madiono.



تأثیر ابعاد یادگیری سازمانی و اخلاقیات سازمانی بر نوآوری سازمانی دانشگاهها در شرق جاوا، اندونزی به بررسی تاثیر قابلیت یادگیری سازمانی و اخلاقیات سازمانی بر نوآوری سازمانی دانشگاهها پرداختند. روش تحقیق آنها تو صیفی-همبستگی بوده است که برای جمع آوری دادهها از توزیع پرسشنامه هار پرداختند. این پژوهش با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده تعداد ۱۷۹ نفر از استادان از همه دانشگاهها در شرق استان جاوا در اندونزی پرداختند. نتایج نشان داد که هر دو متغیر قابلیت یادگیری سازمانی و اخلاقیات سازمانی بر نوآوری سازمانی تأثیر زیادی دارد. دالگر و همکاران^۶ (۲۰۱۶) در پژوهش خود با عنوان چگونه جهت گیری یادگیری به اخلاقیات و عملکرد سازمانی بهتر می انجامد؟ به شناسایی ارتباط بین جهت گیری یادگیری سازمانی با اخلاقیات و عملکرد سازمانی پرداختند. محققین با استفاده از حجم نمونه ۱۲۱ نفری از مدیران سازمانهای مورد بررسی به آزمون فرضیات پژوهش پرداخته و یافته ها حاکی از آن است که ارتباط معناداری بین یادگیری سازمانی با اخلاقیات و عملکرد سازمانی دارد. همچنین بین اخلاقیات و عملکرد سازمانی نیز همبستگی معنادار و مستقیمی گزارش گردیده است. جولیا و همکاران^۷ (۲۰۱۶) رابطه بین اخلاقیات ، یادگیری سازمانی و عملکرد را بررسی کرده اند و نتایج آن ها نشان داد که هر دو متغیر یادگیری و اخلاقیات سازمانی رابطه مثبت با عملکرد کسب و کار دارد و یادگیری سازمانی و اخلاقیات را تحت تأثیر قرار می دهد. کالیب و همکاران^۸ (۲۰۱۶)، در مطالعه خود با عنوان فاکتورهای اثرگذار بر مشارکت دانشجویان در تعاملات کلاس درس، اظهار می کند که مشارکت دانشجویان در فعالیتهای کلاسی یک رفتار پیچیده است و ابعادی همچون سطح مهارت، ویژگی و صفات شخصی و عوامل فرهنگی آن را تحت تأثیر قرار میدهند و کیفیت و کمیت آن را شکل می دهند، از آنجا که هدف این تحقیق بررسی رابطه تعامل کلاسی با هوش معنوی و اخلاقیات سازمانی در میان آموزگاران دوره ابتدایی شهرستان نقده می باشد لذا محقق خواهد کوشید که به پاسخ این سوالات دست یابد: هوش معنوی ، اخلاقیات سازمانی ، تعامل کلاسی چه تأثیری و رابطه ای با هم دارند؟

۲- روش شناسی:

روش این پژوهش، پیمایشی و از نوع همبستگی بود. برای تحلیل داده ها از آزمون پیرسون و برای بررسی تاثیر متغیرهای ذکر شده از آماره آزمون t و ضرایب مسیر (β) استفاده شد. جامعه آماری این تحقیق ۷۰۰ نفر از آموزگاران دوره ابتدایی شهرستان نقده بوند که از میان آنها تعداد ۲۴۸ نفر (۱۲۴ نفر مرد و ۱۲۴ نفر زن) به روش نمونه گیری طبقه ای تصادفی با استفاده از روش کوکران انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه هوش معنوی ، اخلاقیات سازمانی ، تعامل کلاسی بود.

⁶ Dulger, M., Alpay, G., Bodur, M., Yilmaz, C.

⁷ Julia C. Naranjo-Valenciaa, Daniel Jiménez-Jiménez

⁸ Ghaleb, A. B. Ghaith, S. & Akour, M.



۳- بحث درباره یافته ها

- فرضیه اول: بین تعامل کلاسی با هوش معنوی در میان آموزگاران دوره ابتدایی شهرستان نقده رابطه معنی داری وجود دارد.

با توجه به نتایج جدول زیر اگر مقدار سطح معنی داری بزرگتر از مقدار خطا باشد، فرضیه صفر را نتیجه می گیریم و در صورتی که مقدار سطح معنی داری از مقدار خطا کوچکتر باشد فرضیه یک را نتیجه می گیریم.

جدول ۱: نتیجه آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین تعامل کلاسی با هوش معنوی

تعامل کلاسی		هوش معنوی
همبستگی پیرسون	۰/۷۱۴	
Sig	۰/۰۰۰	
N	۲۴۸	
$p < ۰/۰۱^{**}$		

با توجه به نتایج جدول فوق چون سطح معنی داری کوچکتر از ۰/۰۵ است و نتیجه آن این است که فرضیه H_0 رد شده و فرضیه H_1 (فرضیه پژوهش) مبنی بر وجود رابطه بین تعامل کلاسی با هوش معنوی در میان آموزگاران دوره ابتدایی شهرستان نقده پذیرفته می شود. همانگونه که مشاهده می شود رابطه مثبت و معنی داری بین تعامل کلاسی با هوش معنوی در میان آموزگاران دوره ابتدایی شهرستان نقده وجود دارد و ضریب همبستگی آن برابر با ۰/۷۱۴ می باشد.

**. به معنای معنی دار بودن آزمون در سطح ۹۹٪ اطمینان^۹



- فرضیه دوم: بین تعامل کلاسی با خلاقیت سازمانی در میان آموزگاران دوره ابتدایی شهرستان نقده رابطه معنی داری وجود دارد.

نتایج جدول زیر اگر مقدار سطح معنی داری بزرگتر از مقدار خطا باشد، فرضیه صفر را نتیجه می گیریم و در صورتی که مقدار سطح معنی داری از مقدار خطا کوچکتر باشد فرضیه یک را نتیجه می گیریم.

جدول ۲: نتیجه آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین تعامل کلاسی با خلاقیت سازمانی

تعامل کلاسی		خلاقیت سازمانی
۰/۶۹۶	همبستگی پیرسون	
۰/۰۰۰	Sig	
۲۴۸	N	
$p < ۰.۰۱/۰.۰۵^{**}$		

با توجه به نتایج جدول فوق چون سطح معنی داری کوچکتر از ۰/۰۵ است و نتیجه آن این است که فرضیه H_0 رد شده و فرضیه H_1 (فرضیه پژوهش) مبنی بر وجود رابطه بین تعامل کلاسی با خلاقیت سازمانی در میان آموزگاران دوره ابتدایی شهرستان نقده پذیرفته می شود. همانگونه که مشاهده می شود رابطه مثبت و معنی داری بین تعامل کلاسی با خلاقیت سازمانی در میان آموزگاران دوره ابتدایی شهرستان نقده وجود دارد و ضریب همبستگی آن برابر با ۰/۶۹۶ می باشد.

*** به معنای معنی دار بودن آزمون در سطح ۹۹٪ اطمینان¹⁰



۴- نتیجه گیری

داشتن هوش معنوی بالا با داشتن اطلاعاتی در مورد هوش معنوی متفاوت است. این تمایز فاصله میان دانش عملی و دانش نظری را مطرح می کند. لذا نباید داشتن دانش وسیع در مورد مسائل معنوی و تمرین های آن ها را هم ردیف دستیابی به هوش معنوی از طریق عبادت و تعمق برای حل مسائل اخلاقی دانست؛ هرچند می توان گفت برای بهره مندی مؤثر از معنویت، داشتن توأمان دانش نظری و عملی لازم می باشد. هرچند که تحقیقات زیادی در حیطه رشد و تحول هوش معنوی صورت نگرفته است و نیازمند تحقیقات تجربی — کیفی است، ولی می توان گفت که استعداد این هوش در افراد مختلف، متفاوت است و در اثر برخورد با محیط های غنی که سوالات معنوی را برمی انگیزاند، به تدریج تحول یافته و شکل می گیرد. به نظر می رسد سن و جنسیت نیز در هوش معنوی اثرگذار باشند. در بسیاری از افراد پس از ۳۵ سالگی تغییرات عمده ای در ناخودآگاه صورت می گیرد که ممکن است در روند معنویت و هوش معنوی تأثیرگذار باشند. در زنان این تحول متفاوت از مردان صورت می گیرد. هوش معنویت ممکن است امری شناختی — انگیزشی باشد که مجموعه ای از مهارت های سازگاری و منابعی را که حل مسئله و دستیابی به هدف را تسهیل می کنند معرفی می نماید. آنچه موجب عملکرد بهتر و رقابت برای بقا در محیط متلاطم سازمان های امروزی می شود قابلیت خلاقیت و نوآوری است که از طریق منابع انسانی امکان پذیر است. در این راستا خلاقیت و نوآوری سازمانی می تواند به عنوان مزیت رقابتی مهم، در سایه رهبری تحول آفرین بر عملکرد سازمانی تأثیر گذار باشد. چالش عمده ای که مدیران در قرن ۲۱ با آن روبرو هستند این است که چگونه از استعدادها و توانایی های بالقوه افراد استفاده کرده و نوآوری های سازمانی را تسریع نمایند. برای نیل به این هدف؛ مدیران و کارکنان سازمان ها می توانند با آگاهی از میزان خلاقیت و تقویت آن از حداکثر توانمندی های فکری، ذهنی و عقلی خود در جهت پویا کردن سازمان بهره گرفته و از طریق ایجاد، پرورش و کاربردی نمودن خلاقیت، روحیه جسارت علمی، انتقادگری و انتقادپذیری، روحیه علمی و پژوهش را در تک تک کارکنان سازمان تقویت کنند. از طرفی مدیریت سازمان نیز ساز و کاری را فراهم آورد تا زمینه این امر در سازمان به وجود آید. این امر می تواند سازمان را تبدیل به یک سازمان خلاق کند که بازنگری روال های گذشته و تولید افکار، اندیشه ها و کالا و خدمات جدید از طریق تراوشات فکری کارکنان سرلوحه کار آن باشد و نوگرایی به عنوان یک ارزش نهادی جزء باورهای مشترک سازمان شود. یکی از عوامل و عناصری که می تواند محیط کلاس درس را تحت تأثیر قرار دهد نحوه رفتار استاد با دانشجویان و دانشجویان با یکدیگر است که از آن به عنوان تعامل کلاسی یاد می شود. تحقیقات انجام شده در این زمینه نیز نشان می دهد که نحوه رفتار معلم با یادگیرندگان به طور مستقیم و غیر مستقیم بازده های یادگیری شناختی و غیر شناختی یادگیرندگان از جمله ابعاد مختلف علمی، اجتماعی و عاطفی را تحت تأثیر قرار می دهد. بنابراین شناخت احساسات و ادراکات دانشجویان نسبت به فرهنگ و روابط اعضای کلاس برای برنامه ریزی و ایجاد تغییرات مثبت در کلاس حائز اهمیت است. کلاس درس سازمانی است متشکل از مدرس و دانشجو که هر یک مجموعه ای از صفات منحصر به فرد از قبیل احساسات، ارزش ها، نیازها و انگیزه های متفاوت را با خود به کلاس می آورد. لذا توجه به این مقوله به عنوان موضوعی که می تواند هویت علمی و شخصیتی دانشجویان را اصلاح یا تکامل بخشد و در صورت عدم توجه می تواند منتج به عدم رضایت و انزجار در فرد شود، لازم و ضروری است. در راستای اهداف تحقیق این نتیجه حاصل شد که بین تعامل کلاسی با هوش معنوی در میان آموزگاران دوره ابتدایی شهرستان نقده رابطه معنی داری وجود دارد. بین تعامل کلاسی با خلاقیت سازمانی در میان آموزگاران دوره ابتدایی شهرستان نقده رابطه معنی داری وجود دارد.



فرضیه اول : بین تعامل کلاسی با هوش معنوی در میان آموزگاران دوره ابتدایی شهرستان نقده رابطه معنی داری وجود دارد.

با توجه به نتایج تحقیق چون سطح معنی داری کوچکتر از $0/05$ است و نتیجه آن این است که فرضیه H_0 رد شده و فرضیه H_1 (فرضیه پژوهش) مبنی بر وجود رابطه بین تعامل کلاسی با هوش معنوی در میان آموزگاران دوره ابتدایی شهرستان نقده پذیرفته می شود. همانگونه که مشاهده می شود رابطه مثبت و معنی داری بین تعامل کلاسی با هوش معنوی در میان آموزگاران دوره ابتدایی شهرستان نقده وجود دارد و ضریب همبستگی آن برابر با $0/714$ می باشد. **در تبیین این یافته ها از پژوهش می توان گفت:** هوش معنوی انجام سازگاران و کاربردی موارد یادشده در موقعیت های خاص زندگی روزمره است. به نظر می رسد هوش معنوی از روابط فیزیکی و شناختی فرد با محیط پیرامون خود فراتر رفته و وارد حیطه شهودی و متعالی دیدگاه فرد به زندگی خود می گردد. این دیدگاه شامل همه رویدادها و تجارب فرد می شود که تحت تأثیر یک نگاه کلی قرار گرفته اند. فرد می تواند از این هوش برای چارچوب دهی و تفسیر مجدد تجارب خود بهره گیرد. این فرایند قادر است از لحاظ پدیدار شناختی به رویدادها و تجارب فرد معنا و ارزش شخصی بیشتری بدهد. هوش معنوی بازندگی درونی ذهن و نفس و ارتباط آن با جهان رابطه دارد و ظرفیت فهم عمیق سؤالات وجودی و بینش نسبت به سطوح چندگانه هوشیاری را شامل می شود. آگاهی از نفس، به عنوان زمینه و بستر بودن یا نیروی زندگی تکاملی خلاق را در برمی گیرد. هوش معنوی به شکل هشیاری ظاهر می شود و به شکل آگاهی همیشه در حال رشد ماده، زندگی، بدن، ذهن، نفس و روح درمی آید؛ بنابراین هوش معنوی چیزی بیش از توانایی ذهنی فردی است و فرد را به ماوراء فرد و به روح، مرتبط می کند. علاوه بر این، هوش معنوی فراتر از رشد روان شناختی متعارف است. بدین جهت هوش معنوی شامل آگاهی از رابطه با موجود متعالی، افراد دیگر، زمین و همه موجودات می شود. رفتار استاد به عنوان یک معیار محیطی مهم برای پیش بینی احساسات در نظر گرفته می شود. کیفیت تدریس استاد نیز با بستر سازی جوی مناسب جهت یادگیری شاگرد به شکوفایی احساس و هیجان در آنها منجر می شود. استاد مضطرب و دارای استرس از سمتی به خاطر داشتن سطحی از فشارهای روانی علاقه مندی و میل خود را در کلاس نسبت به تدریس و فعالیت های آموزشی از دست می دهد و از سمتی دیگر اضطراب او سبب می شود که از کیفیت تعامل استاد با شاگرد کاسته شود در واقع بخش بزرگی از مؤثر بودن یک نظام آموزشی بر روی یادگیری و یادگیرندگان مربوط به آن چیزی خواهد بود که در محیط های یادگیری تحصیل می گردد و کمتر به سیاست و خط مش دولت مربوط خواهد بود وجود تعامل برای ایجاد جوامع یادگیری اصلی، اساسی و بنیادی است. تعاملات و روابط بین شاگرد و معلم یکی از کلیدی ترین عرصه های ساختار اجتماعی علم به شمار می آید. ارتباط شاگرد و معلم خود یکی از عرصه های با اهمیت و تأثیر گذار تعامل است. فراوانی، کمیت و استحکام تعامل های شاگرد و معلم تأثیر وافر بر رشد و توسعه فکری دارد. تعاملات شاگرد و معلم دارای واکنش های عاطفی نیز بوده و تأثیر زیادی بر رضایتمندی از جوانب گوناگون تجربه زندگی آنان دارد. نتیجه حاصل برای فرضیه های پژوهش با یافته های پژوهش های، نایر و پائول (۲۰۱۷) اسمارت (۲۰۱۷) پاک نژاد و گرامی نژاد، (۱۳۹۲) لقمان پور زرینی و تلارمی (۱۳۹۶) دالگر و همکاران (۲۰۱۶) چانگ و اسمیت (۲۰۱۴) سواری (۱۳۹۲)، همسویی دارد

فرضیه دوم : بین تعامل کلاسی با خلاقیت سازمانی در میان آموزگاران دوره ابتدایی شهرستان نقده رابطه معنی داری وجود دارد.

با توجه به نتایج جدول فوق چون سطح معنی داری کوچکتر از $0/05$ است و نتیجه آن این است که فرضیه H_0 رد شده و فرضیه H_1 (فرضیه پژوهش) مبنی بر وجود رابطه بین تعامل کلاسی با خلاقیت سازمانی در میان آموزگاران دوره ابتدایی شهرستان نقده پذیرفته می شود. همانگونه که مشاهده می شود رابطه مثبت و معنی داری بین تعامل کلاسی با خلاقیت سازمانی در میان آموزگاران دوره ابتدایی شهرستان نقده وجود دارد و ضریب



همبستگی آن برابر با ۰/۶۹۶ می باشد. در تبیین این یافته ها از پژوهش می توان گفت: ضرورت و اهمیت یافتن راهکارهایی جهت ایجاد خلاقیت و نوآوری در این است که امروزه سازمان ها در برهه ای از زمان قرار گرفته اند که تحت عناوین مختلف از جمله عصر دانش، عصر فراصنعتی، عصر جامعه اطلاعاتی، عصر سرعت و بالاخره عصر خلاقیت و نوآوری مطرح شده است؛ و خود را در جهت مدیریت تغییرات شتابان و دگرگونی های ژرف جهانی آماده می سازند؛ به گونه ای که خلاقیت و نوآوری به عنوان اصلی اساسی از عوامل مهم بقای سازمان ها پذیرفته شده است. براساس این استدلال، کشورهای پیشرفته صنعتی بر آموزش خلاقیت تاکید بسیار کرده و در این راستا در انتخاب افراد خلاق، نوآور و آینده نگر، که رهیافت های بدیع و خلاق برای مسائل پیچیده ارائه کنند توجه خاص مبذول داشته اند امروزه، موفقیت در تولید محصولات و خدمات جدید، وابسته به دو عنصر اساسی خلاقیت و نوآوری است و سازمان ها، به خلاقیت و نوآوری، به عنوان یک دیدگاه راهبردی که برای سازمان مزیت راهبردی را به همراه می آورد، می نگرند. جهان از اواخر قرن بیستم تاکنون شاهد تغییرات بسیار گسترده در تمامی عرصه های کسب و کار است، به طوری که امروزه جهانی شدن، افزایش رقابت، توسعه ی فناوری اطلاعات، توجه به کیفیت کالاها و خدمات، مشتری مداری، و ناکارآمدی، اداره ی امور بخش عمومی را در سراسر دنیا و در این عرصه ها با چالش جدی روبه رو کرده است. ازجمله راهکارهای اثربخش رویارویی با این چالش ها، توسل به نوآوری سازمانی است. یادگیری در اثر تعامل با دیگران حاصل می شود. تعامل فقط محدود به آموزش حضوری نمی شود و در آموزش های از راه دور بر خلاف نظر عده ای که این آموزش ها را فاقد تعامل در نظر می گیرند نیز مطرح است. روابط معلم و دانش آموز بخش اصلی آموزش و یادگیری موفق محسوب می شود. بدیهی است که دانش آموز در بسیاری از محیطهای یادگیری به معلمان خود نیازمندند. به عبارت روشن تر، معلمان برای دانش آموز در حکم پایگاهی امن در برابر مشکلات و راهنمایی برای کشف و تجربه جهان پیرامون هستند کیفیت تعامل معلمان با دانش آموز در کلاس درس برای موفقیت دانش آموز در مدرسه، با توجه به اهمیتی ویژه دارد. رابطه مثبت معلم با دانش آموز و همچنین دانش آموز باهم، بر رابطه عاطفی و اجتماعی کلاس، ایجاد انگیزه یادگیری، دبستگی، همکاری در فعالیت های کلاسی، تلاش بسیار در مواجهه با مشکلات کمک و حمایت دوستانه، درک رفتار میان فردی، ایجاد مسئولیت و آزادی در کارهای دانش آموز می تواند تأثیر گذار باشد نتیجه حاصل برای فرضیه های پژوهش با یافته های پژوهش های، سوتانتو وهمکاران (۲۰۱۷) کالیب و همکاران (۲۰۱۶) غیاثیان واحمدخانی وزارع (۱۳۹۲) شامی و همکاران (۱۳۹۵) کریمی وهمکاران (۱۳۹۳) همسوئی دارد.

پیشنهادهات

در ارتباط با یافته های تحقیق پیشنهادت زیر را می توان ارائه داد:

- ۱- با برنامه ریزی برای آموزش از راههای مختلفی چون چاپ بروشورهای داخلی، تهیه و تدارک کنفران های علمی و انجام برنامه های جنبی در مدارس متناسب با مناسبت های ملی و مذهبی، هوش معنوی را در معلمان رشد دهند و اشتیاق و عملکرد شغلی بهتر را تضمین نمایند.
- ۲- مسئولان بر تبادل عقاید و دانش بین اشخاص و کارهای گروهی تأکید بیشتری داشته، از نظرات مطلوب و خلاقیت افراد استقبال کنند تا هم ایجاد انگیزه شود و هم مدارس از این نظرات بهره ببرد.
- ۳- مدیران به ایده های جدید توجه کنند و با بکارگیری تکنولوژی نوآورانه به بهبود کیفیت آموزش بپردازند و با اجرای مداخلات روانشناسی مبتنی بر هوش معنوی در جهت بهبود عملکرد آموزشی اقدام نمایند



منابع

۱. آزادبخش، نسرين (۱۳۹۷) رابطه هوش معنوی با اشتیاق تحصیلی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد مرودشت.
۲. بهبودی، امید؛ فیض پور، مجید؛ غفوریان شاگردی، امیر؛ (۱۳۹۴) بررسی نقش تعدیلگری خلاقیت و نوآوری سازمانی در رابطه بین رهبری تحول آفرین و عملکرد سازمانی؛ نشریه صنعت و دانشگاه، ۸(۲۹): ۴۷-۶۰.
۳. پاک نژاد، ایمان و گرامی نژاد، فاطمه. (۱۳۹۲) رابطه هوش معنوی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر شاخه ی نظری (ریاضی، تجربی، انسانی) شهرستان دزفول، اولین کنفران بین المللی روانشناسی و علوم تربیتی.
۴. جعفری، سکینه، امین بیدختی، علی اکبر و محمدی، مهدی (۱۳۹۴) بررسی رابطه ادراک دانشجویان از جهانی شدن آموزش عالی با ارزیابی آنان از کیفیت فرآیندهای یاددهی یادگیری. پژوهش های برنامه درسی انجمن مطالعات برنامه ی درسی ایران، ۵(۱): ۸۹-۱۱۹.
۵. درگاهی، حسین؛ فلاح مهرآبادی، اسماعیل؛ حیدری دستجردی، ناهید؛ اسدی، صدیقه؛ (۱۳۹۶) مطالعه رابطه بین خلاقیت و نوآوری سازمانی در کارکنان بیمارستان های عمومی دانشگاه علوم پزشکی تهران؛ پیآورد سلامت، (۱۱): ۲۱-۳۸.
۶. دهقانی، مهری و فضل اللهی قمشی، سیف اله. (۱۳۹۴) بررسی رابطه بین «هوش معنوی» و «تعهد سازمانی» دبیران، مطالعات اسالم و روانشناختی، ۹(۱۷): ۱۳۲-۱۰۵.
۷. زوره، سحر؛ خواجه وندی، قاسم؛ (۱۳۹۴) بررسی عوامل مؤثر بر خلاقیت سازمانی در بین مدیران پالایشگاه آبادان؛ کنفرانس بین المللی اقتصاد مدیریت و علوم اجتماعی، بارسلون اسپانیا.
۸. سواری، کریم (۱۳۹۴) رابطه علی تعاملات آموزشی با رضایت تحصیلی از طریق میانجی گری خودتنظیمی تحصیلی، دست آوردهای روانشناختی، ۴(۲): ۱۸۸-۱۷۷.
۹. شامی، عادل. کسرائی، احمدرضا. و دادخواه، محمدرضا. (۱۳۹۲) بررسی تأثیر نوآوری و یادگیری سازمانی بر عملکرد سازمانی در شرکت توانیر، پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
۱۰. غیاثیان، مریم السادات؛ احمدخانی، محمدرضا و زارع، عزت اله (۱۳۹۲) تحلیل گفتمان در تعاملات کلاسی بین دانش آموز و معلم،، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران.
۱۱. فلاحی، ویدا. (۱۳۹۲) رابطه هوش معنوی با عملکرد تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شهرستان میناب، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
۱۲. کریمی، فریبا، احمدی دستجردی، سمیه. و رجایی پور، سعید. (۱۳۹۳) الگوی ساختاری روابط بین سرمایه اجتماعی و قابلیت یادگیری سازمانی با نوآوری کارکنان. فراسوی مدیریت، ۷(۲۷): ۱۵۳-۱۶۹.



۱۳. لقمان پور زرینی، رسول و تالرمی، ژاله. (۱۳۹۶) بررسی اثرات متقابل هوش هیجانی، هوش معنوی و انگیزش پیشرفت تحصیلی دانشجویان (مطالعه قیاسی دانشگاه علوم دریایی امام خمینی نوشهر و دانشگاه فنی و حرفه ای)، آموزش علوم دریایی، شماره ۱۶: ۶۳-۵۴.

۱۴. نجفی میرشکار لو، سجاد (۱۳۹۷) بررسی نقش تبیینی سبک های تدریس و کیفیت تدریس در درگیری و خودکارآمدی دانشجویان دانشگاه ارومیه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ارومیه.

1. Dulger, M., Alpaly, G., Bodur, M., Yilmaz, C. (2016). How does learning orientation generate product innovativeness and superior firm performance?. *The Business & Management Review*, 7(3):208-217.
2. Ghaleb, A. B. Ghaith, S. & Akour, M. (2016). Self-efficacy, achievement goals, and metacognition as predictors of academic motivation. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 191, 2068-2073.
3. Julia C. Naranjo-Valenciaa, Daniel Jiménez-Jiménezb, (2016) Raquel Sanz-Valle, Studying the links between organizational culture, innovation, and performance in Spanish companies, *Revista Latinoamericana de Psicología* 48, 30-41.
4. Moore, M. M. (2011). Student Satisfaction and Graduate Part-Time Students. *Continuing Higher Education Review*, 75, 113-120.
5. Nair, K. Anandan & Paul, Gigi. (2017). A Study on Spiritual Intelligence among Higher Secondary Students in Relation to Their Social Adjustment. *Journal of Research in Humanities and Social Science* . 5 (3), 38-42.
6. Saranya, R & Sangeetha, T. (2017). A Study Of Spiritual Intelligence In Relation To Achievment In Science Among Secondary SCHOOL Students In Coimbatore Educational District. *International Journal Of Research granthaalayah*, 5 (6): 10-17.
7. Smartt, Merial J. (2017). The Relationship Of Spiritual Intelligence To Achivment Of Secondary Students. A Dissertation Presented in Partial Fulfillment Of the Requirements for the Degree Doctor of Education .Liberty University.
8. Sutanto, Eddy Madiono. (2017). the influence of organizational learning capability and organizational creativity on organizational innovation of Universities in East Java, Indonesia. *Asia Pacific Management Review*, 22 (3):128-135.